

چشم انداز تازه ای بر پولس

(ادوین کشیش آبنوس)

در چند دهه گذشته، مباحث پیچیده الهیاتی در خصوص پولس و صحبت‌های وی در مورد پارسایی ایمانداران و اعمال شریعت مطرح شده است که بسیاری از الهیات‌دانهای عهد جدید بویژه متخصصین پولس را به خود مشغول ساخته است.

این گفتگوها که تحت عنوان «چشم‌اندازی تازه بر پولس» مشهور گشته است محوریت صحبت‌های روز در خصوص آموزه پارساشمرده شدگی شکل داده است.

رد پای آغاز این گفتگوها را می‌توان در نوشته‌های شخصی به نام ای. پی. سندرز یافت که در کتاب خود تحت عنوان «پولس و یهودیت فلسطینی: مقایسه الگوهای مذهبی، که در سال ۱۹۷۷ منتشر شد، به این مبحث پرداخت. این کتاب چون انفجاری، حوزه مطالعات عهد جدید را لرزاند به نوعی که امروز هم پس لرزه‌های آن بحث‌های معاصر را خوراک می‌دهد. البته ای. پی. سندرز اولین شخص در ارائه این صحبت‌ها نبوده است و پیش از وی افرادی چون کلاود مانفویره (۱۸۵۸ - ۱۹۳۸) و جرج فوته مور (۱۸۵۱ - ۱۹۳۱) گفتگوهایی در این خصوص را مطرح نموده‌اند.^[۱]

«چشم‌انداز تازه بر پولس» نه تنها تفسیر اصلاح‌گران در خصوص آموزه پارساشمرده شدگی را به چالش می‌کشد بلکه بصورت کل این تعلیم را (آموزه پارسایی) را نقد می‌کند. همچنین موضوعات دیگری که در رسالات

پولس مطرح شده است نیز با این آموزه به مبارزه طلبیده می شد (به عنوان مثال طبیعت تبدیل و ایمان آوردن پولس رسول [این چشم انداز الهیاتی بلکه با مفهوم توبه و تبدیل پولس مخالف است]، منشاء و محور الهیات پولس، دیدگاه پولس در خصوص شریعت). همچنین فهم سنتی اصلاحگران در خصوص یهودیت قرن اول را نیز زیر سوال می برد.^[۲]

تا قرن نوزدهم الهیات دانان پروتستان، یهودیت قرن اول (زمان معبد دوم) را، مذهبی مبنی بر اعمال می دانستند. مذهبی که متمرکز بر انجام شریعت و قوانین دینی است، ساختار اعتقاداتی که با مسیحیتی که عیسی و پولس ارائه داد بودند بشدت در تضاد بود. این دیدگاه توسط افرادی چون، اف. سی. باور و ویلهم وبر^[۳]، پرورش یافت. چنین تفسیری از یهودیت قرن اول زمینه مناسبی را برای مخالفین الهیات کاتولیک ایجاد کرده بود تا بالکل با پارسایی برخاسته از اعمال به ستیز بپردازند.^[۴]

ورود افرادی چون کلاود مانفویره و جرج فوته مور این نوع نگرش بر یهودیت قرن اول را به چالش کشید و متعاقبا مبحث پارساشمرده شدگی بر اساس ایمان که اصلاحگران از زمان جنبش این نهضت تعلیم می دادند به مبارزه طلبیده شد.

البته شاید بهتر باشد پیش از این افراد، به شخصی به نام کریستر استندال اشاره کرد که در مقاله خود در سال ۱۹۶۳ تحت عنوان «پولس رسول و وجدان درون نگرانه غرب» این باور را که پولس رسول بجهت عذاب وجدان گناه آلود خود توبه کرد را زیر سوال برده آن را محصول احساس گناه و نگرش درون نگرانه ای که برخاسته است وجدان گناه آلود تفکرات از زمان آگوستین تا لوتر است که الهیات غرب را شکل بخشیده است. به عقیده استندال، این نوع نگرش باعث شده است تا رسالات پولس را با این

انسانشناسی درون نگرانه تفسیر کنیم. او می گوید که نه تنها ایمان پولس به مسیح بخواسته از وجدان گناه آلود او نبوده است بلکه از نوشته های وی مشهود است که وی دیدی خوشبینانه به فریسی بودن خود داشته است. (فیلیپیان ۳: ۶) آیات نظیر این که به بر زمینه وجدان گناه آلود پولس تفسیر گشته است در حقیقت مباحث پولس در خصوص رابطه یهودیان و مسیحیان از امتهای و جایگاه شریعت در این بین می باشد. مشکل اصلی پولس به عقیده وی، این بود که او ادعای یهودیان را در خصوص امتهای که گمان داشتند باید پیش از مسیحی شدن باید یهودی گردند، حل کرده آن را رد نماید. به عقیده استندال، پولس رسول مبحث پارساشمرده شدگی بوسیله ایمان را که در این بخش مطرح می شود برای تایید این مطلب که افراد با وجدان گناهکار نزد خدا توبه نموده، از این پارسایی برخوردار می شوند استفاده نمی کند، بلکه پولس به این جهت وارد گفتگو در خصوص پارسایی به وسیله ایمان می شود تا مسیحیان از امتهای را از دام ختنه شدن و نگاه داشتن روز سبت و حلال و حرام خوراکی ها به عنوان پیش نیاز ورود به کلیسا، محافظت کند. دامی که مسیحیان یهودی برای امتهایی که به کلیسا می پیوستند پهن کرده بودند.

وقتی از این چشم انداز به مباحثات پولس نظر کرده شود، آنگاه نمی توان پارسایی را مرکز و محور الهیات پولس دانست، بلکه پاسخی که برای حل مناقشه نجات شناختی بین یهودیان و امتهایی که در آن زمان بپا خواسته بود، [۵]

در این میان، زمانی که ای پی سندرز وارد صحنه می شود و کتاب خود را در این خصوص به قلم در می آورد، زمینه این بحثها بسیار مناسب بود. هنگامی که کتاب خود را منتشر کرده بود، از هولکوست یهودیان به مدت سی سال گذشته بود و دنیای در تاسف و خشم این جنایت (کشدار شش

میلیون یهودی بدست آلمانی های بظاهر مسیحی) همچنان باقی بود. نگرش وقیحانه و روحیه ضد یهودی چه در عرصه سیاست و چه در حوزه الهیات در جریان بود. بنظر می رسید که نظریات سندرز که چشم انداز منفی را از یهودیان قرن اول دور می کرد جبران سوء ظن های ضد یهودی را می کرد. او با بررسی نوشته های ربایان یهودی، آپور کریفا، کتب بین العهدین و نوشته های غمران نظریه خود را اعلام کرد و درحقیقت بررسی تخصصی او در مورد کتب کهنی که ذکر شد، کار را برای بسیاری از الهیاتدانان و پژوهشگران دشوار نمود زیرا که برای رد کرد نظریه سندرز، می بایست خود به منابع اولیه رجوع کرده، دست اول آنها را مورد بررسی و مطالعه قرار می دادند.

سندرز این ادعا را که پژوهشگران می گویند، یهودیان قرن اول متعلق به ساختار مذهبی شریعتگرایانه ای بودند رد می کند، به گمان او، یهودیان قرن اول بر این باور نبودند که با تکیه بر شریعت و اطاعت از آن می توانند در حضور خدا پارسا گردند، او چنین برداشتی را از یهودیت قرن اول، افسانه ای دانست که پژوهشگران خود را به آن سپرده اند و ریشه این افسانه پیش فرضهای نادرست می داند. او می گوید چنین نگرشی بر یهودیان قرن اول برخاسته از جدل اصلاحگران در برابر کلیسای کاتولیک در قرن شانزدهم می باشد، در حالیه به عقیده وی، بررسی عینی منابع یهودیت معبد دوم به ما نشان می دهد که مذهب آنها بر فیض بنا نهاده شده بود.^[۶] آنچه در مسیحیت غرب اشاعه یافته است، بر اساس تجربه های روحانی افرادی مانند آگوستین و لوتر است که فیض مسیحی را جایگزین شریعت یهودی و ایمان مسیحی را جایگزین اعمال شریعت ساخته است. و این دقیقا همان مسیر اشتباهی است که با بازخوانی منابع یهودیت قرن اول تشخیص داده و می توانیم به چشم انداز حقیقی پولس بازگردیم.^[۷]

سندرز به مذهب قرن اول یهودیت (یهودیت زمان معبد دوم) را عهد شریعت [۸] می خواند. او می گوید که خدا با قوم خود بنابر فیض خویش وارد عهد می گردد. ورود یهودیان به عهد و رابطه با خدا نتیجه اطاعت ایشان از شریعت خدا نبود بلکه پایه و اساس دخول به عهد بر رحمت الهی بنا گشته بود. بلکه فرمان اطاعت از شریعت خداوند پاسخی بود که قوم باید نسبت به فیض الهی نشان می دادند. بنابراین او نتیجه می گیرد که، این عهد نمی تواند با شریعت گرایی یکسان باشد یعنی قوم اسرائیل بر این باور نبود که شخص با انجام کارهای شریعت نزد خدا در نهایت پاداهش خواهد یافت، به این مفهوم که ارزیابی اعمال یهودیان تعیین کننده وضعیت نهایی ایشان نزد خدا نبود، بنابراین شخص نمی توانست با کارهای خود خشنودی و رضایت خدا را برای نجات جلب کند. اسرائیل در این رابطه ای که بر فیض بنا شده بود با انجام شریعت باقی می ماند. به عبارت دیگر یهودیان بوسیله فیض وارد عهد می گشتند اما برای باقی ماندن در این عهد باید اعمال شریعت را به جا آوردند.

او می گوید:

«عهد شریعت دیدگاهی است که معتقد است جایگاه شخص در نقشه الهی بر اساس عهد است، عهدی که در طالب دریافت واکنش و پاسخی مثبت از شخص در قالب اطاعت از فرامین و شریعت الهی است، عهدی که وسیله فدیة گناهان را فراهم می آورد... اطاعات شخص بقای وی در عهد را تضمین می کند اما این بدان معنی نیست که فیض الهی را موجب شود.» [۹]

سندرز در تلاش است تا تفاوت این دو را یعنی «ورود» و «بقای در عهد» را مشخص کند. یهودیان بخاطر فیض خدا در این عهد پذیرفته شده

بودند و اساس این ورود تنها همین فیض است و نه اعمال شریعت، اما زمانی که ایشان به عهد داخل شده با خدا وارد این رابطه مبنی بر فیض شدند، از ایشان دعوت شده تا برای حفظ این رابطه و بقای در این عهد کوشا باشند و بقای در عهد در اطاعت شریعت جلوه می یابد. به عبارتی دیگر: *نجات از طریق فیض است، و اعمال شریعت شرط باقی ماندن در این نجات می باشد، با این تاکید که اعمال شریعت نجات را تحصیل نمی کند.* [۱۰]

او به این پرسش که اگر یهودیت مذهبی مبنی بر فیض بود، چرا پولس آن را رد می کند اینگونه پاسخ می دهد که مشکل اصلی یهودیت این است که عیسی مسیح را به عنوان طریق نجات نمی پذیرد. او می گوید:

مشکل پولس با یهودیت این است: مسیحیت نیست! [۱۱]

البته در این بین افراد دیگری هم هستند که در همین راستا گفتگوها را پیش برده اند. جیمز دان الهیات دانی انگلیسی شخصی است که عبارت «چشم انداز تازه ای بر پولس» را برای تشریح این دیدگاه ابداع کرده است. هرچند این عبارت برای این موضوع الهیاتی که برخواسته از نظرات سندرز بکار می رود اما در حقیقت نظرات متنوعی در این چشم انداز وجود دارد که در نکاتی با یکدیگر هم عقیده نیستند. دکتر ان. تی رایت و جیمز دان، چهره های مطرحی هستند که در این زمینه به گفتگو می پردازند.

جیمز دان در ادامه این گفتگو با تمرکز بر «اعمال شریعت» که بارها در رسالات پولس استعمال شده است، معتقد است که این عبارت به این معنا نیست که یهودیان در صدد انجام شریعت اخلاقی بخشیده شده از طرف یهوه، می باشند بلکه این عبارت که پولس در نوشته های خود استفاده می کند اشاره بر قوانین بخصوصی مانند ختنه، نگاه داشتن روز سبت و قوانین حلال و حرام خوراکی ها می کند در حقیقت عبارت «اعمال شریعت» به

معنای نشانه‌های و علائم قومی است که یهودیان را از امتها مجزا می‌سازد. او می‌گوید که مشکل پولس با این اعمال شریعت این است که یهودیان با تاکید بر این نشانه‌های قومی، خود را از مسیحیانی غیریهودی (امتها) جدا می‌ساختند بنوعی که بنظر می‌رسید که این انفکاک که بر اساس قومیت و نژاد بود، برتری قوم یهودی را نمایان می‌ساخت، که البته در حقیقت تنها منجر به تفرقه و تجزیه بدن مسیح می‌گشت و پولس رسول با این نگرش کاملاً مخالف بود. پولس رسول تنها نشانه و علامتی که باید بر روی مسیحیان قرار می‌گرفت، ایمان ایشان به مسیح بود.^[۱۲]

در این میان دکتر ان. تی. رایت با مقاله‌ای که در سال ۱۹۷۸ تحت عنوان «پولس تاریخ» منتشر کرد، وارد این بحث گشت. او با سندرز و دان همصدا گشته، تفسیر معاصر از الهیات پولس رسول را نقد کرده، می‌گوید که چنین نگرشی بر پولس، مذهب یهودی را خلق کرده که وجود خارجی ندارد. او در ادامه می‌گوید که گناه بزرگ یهودیان این بود که با تکبر نژادی که در خود داشتند در این تلاش بودند تا فیض بخشیده شده از طرف خدا را محصور و محدود به قوم خاص، یعنی یهودیان گردانند و این برتری نژادی را که فیض خدا را دریافت نموده است را با نشانه‌های قومی، چون ختنه، روز سبت و قوانین خوراکی ایشان به تصویر می‌کشیدند.

اخیراً دکتر رایت و دکتر دان اظهار داشته‌اند که باورهای ایشان در خصوص الهیات پولس با چشم‌انداز اصلاح‌گران در تضاد نیست بلکه آنچه ایشان بیان می‌کنند می‌توانند به عنوان اصلاحاتی چند بر چشم‌انداز ایشان برای روشن ساختن تعاریف کمک کند دیده شود.

اما برای بهتر فهمیدن این نگرش (چشم‌اندازه تازه بر پولس) و رابطه آن با دیدگاههای مقابل (که البته بنا بر سنتهای الهیاتی گوناگون متنوع

است) باید نظر این الهیاتدانان را در خصوص پارساشمرده شدگی درک کرد، هر چند بنظر می رسد که این موضوعی نیست که این نوع نگاه به هیچ وجه آموزه ای مرکزی در الهیات پولس بداند. مشکل پولس از نظر ایشان، پارسایی بر اساس ایمان در مقابل مذهب «پلجیوس گونه» یهودیان قرن اول که در تلاشند تا با اعمال نیکو حضور خدا عادل شمرده شوند نیست بلکه مسئله پذیرش مسیحیان از امتها در کلیسا است که با مقاومت یهودیانی روبرو شده اند که از آنها درخواست می کنند تا قوانین تورات را اجرا کرده، نشانه های قومی (ختنه، سبت و حلال و حرام خوراکی) را بر خود گیرند. یهودیانی که معترفند در غیراینصورت امتها قادر نخواهند بود به مسیح (یهودیان) دسترسی داشته باشند.

با چنین چشم اندازی نه تنها آموزه پارساشمرده شدگی مرکز الهیات پولس نیست بلکه صحبت مارتین لوتر که گفت: این آموزه اصلی است که کلیسا با آن ایستاده و یا سقوط خواهد کرد نیز مردود به حساب می آید. در نظر ایشان مشارکت پویا با مسیح به عنوان نشانه ای که مسیحیان باید بر خود گیرند صحبت مرکزی پولس است. مسئله پارسایی بر اساس ایمان از دیدگاه این دسته الهیون، باید در متن تاریخی یهودیت قرن اول فهمید که معتقد بودند که نجات تنها متعلق به قومی خاص است که با نشانه های اطاعت شریعت از سایر اقوام متمایز می شوند، و در حین پولس رسول با اشاره به پارسایی بر اساس ایمان و برافراشتن آن به عنوان نشانی که به جای نمادهای قومی باید بر خود گرفت می گوید که فیض شامل حال سایر اقوم (غیریهودیان) نیز می شود.

با این حال جیمز دان، تاکید می کند که این نگرش نجات انفرادی را که در راستای پارسایی بیگانه مطرح می شود مردود نمی شمارد بلکه تنها زمانی که از زاویه درست به چشم انداز پولس نگریسته شود و بعد نادیده انگاشته

ای را که پولس در رسالات خود مطرح می کند، نجات فردی نیز در بُعد اجتماعی آن معنای خواهد داد. او می گوید:

«الهیات پارساشمرده شدگی بوسیله ایمانی که پولس از آن صحبت می کند باید با پارسایی نهایی که از طریق اعمال ایماندار که توسط روح برای انجام آن قابلیت یافته، تحصیل می شود درک نمود.»^[۱۳]

Questions about Christians and Biblical Law, Thomas R. Shreiner, Kargel Publications, 2010, p 35

Justification, Five views, Edited by James K. Beilby & Paul Rhodes Eddy, IVP Academic, 2011, p53

F.C.Baur and Wilhem Webber

Ibid 54

Ibid 55

Questions about Christians and Biblical Law, Thomas R. Shreiner, Kargel Publications, 2010, p 36

Justification, Five views, Edited by James K. Beilby & Paul Rhodes Eddy, IVP Academic, 2011, p57

[\] Covenantal Nomism](#)

[\] E.P. Sanders, Paul and Palestinian Judaism: 9\]](#)
A Comparison of patterns of religion
420, 75) 1977(Philadelphia: Fortress,

[\] E.P. Sanders, Paul and Palestinian Judaism: 10\]](#)
A Comparison of patterns of religion
) p543 1977(Philadelphia: Fortress,

[\] E.P. Sanders, Paul and Palestinian Judaism: 11\]](#)
A Comparison of patterns of religion
552, 75) 1977(Philadelphia: Fortress,

[\] "New Perspective on Paul. By James Dunn. 12\]](#)
Pp 194- 198

[\] Dunn, New Perspective: Whence, P85 13\]](#)